

در سکوت اجرای حکم اعدام زینب جلالیان و سایر زندانیان سیاسی را به نظاره ننشینیم!



".....مرگ ستاره، نویدبخش طلوع خورشید است و تعبیر خواب چوبه‌ی داری که هر شب در سرزمینمان خواب مرگ میبیند، تولد کودکی است بر دامنه‌ی زاگروس که برای عصیان و یاغی شدن به دنیا میاید....."

(بخشی از نوشته‌ی فرزند کمانگر زندانی محکوم به اعدام که در سوگ احسان نوشته است)

"اسم من زینب جلالیان میباشد. من دختر ۲۷ ساله کرد و زندانی سیاسی ایران هستم. حکم اعدام من از طرف دادگاه انقلاب اسلامی تایید شده است.

.....محاکمه من فقط چند دقیقه طول کشید،

بعد از چند دقیقه دادگاه به من گفت تو دشمن خدا

هستی و باید اعدام شوی. من از حاکم شرع خواستم که پیش از اعدام به من اجازه بدهند برای آخرین بار صدای مادرم و فامیلم را بشنوم، دادگاه گفت تو دشمن خدا هستی و از من خواست که دهنم را ببندم...."

سالیان درازی از حاکمیت جمهوری اسلامی میگذرد، حکومتی که برای پا بر جا ماندن از هیچ جنایتی دریغ نکرده و همچنان سمج و سرسخت برای تداوم بقایش تمام ارزشها و پرنسیپهای انسانی و اخلاقی را تار و مار و نابود میکند سالیانی پر از درد و رنج! از کردستان با شما سخن میگویم از پیکره‌ای زخمی که با فرود آمدن هر زخم تازه تمامی اعضای آن بدرد میاید و درد زخمهای کهن و دیرینه را هم در خاطر تداعی میکند، از مردمانی که سالیان سال است برای بدست آوردن ابتدائیتین حقوق اولیه خود قربانی میدهند. مردمانی که در طول تاریخ همیشه با ستم مضاعف رودررو بوده و مقابله کرده‌اند. جوخه‌های اعدام کشتارهای جمعی سال ۶۷ ادامه و استمرار جوخه‌های اعدامهای دسته‌جمعی بعد از انقلاب در کردستان بود و میدان خاوران بیانی رسا و حکایت از هزاران گور بی نام و نشان میکند که اولین کلنگ‌هایش در خاک کردستان بر زمین زده شد.

بیاید تا در سکوت مرگ عزیزانمان را به نظاره ننشینیم و تکرار تاریخ را اجازه ندهیم. ما کمیته مستقل کردها برای حمایت و پشتیبانی از زندانیان سیاسی حکم اعدام زینب جلالیان و سایر زندانیان سیاسی را در ایران محکوم میکنم و از تمامی انسانهای آزاده و مدافع حقوق بشر میخواهیم که موضع بگیرند و اقدام کنند. **سکوت را جایز نیست!**

کمیته مستقل کردها برای حمایت و پشتیبانی از زندانیان سیاسی- کلن/ آلمان